

مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مانیفست فکری جریان ملی گوروش ترکیه

مهدی پیروزفر^{۱*}

رامین ولی زاده میدانی^۲

سید اسدالله اطهری^۳

چکیده

جریان ملی گوروش یکی از مهم‌ترین نمایندگان اسلام سیاسی در ترکیه است. آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود و در چارچوب دموکراسی ترکیه اقدام به تأسیس احزاب اسلامی مختلفی از جمله حزب نظام ملی، سلامت ملی، حزب رفاه، فضیلت و سعادت می‌کنند و در راستای تأسیس نظامی عدالت محور که روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است تلاش می‌نمایند. به عبارت دیگر اربکان رهبر این جریان که سقوط شوروی را متوجه شده و متأثر از آرمان‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی مانند عدالت محوری و استکبارستیزی و... بود، تلاش می‌کند تا مکتب نظام مند و جذاب‌تری را برای ترکیه نوین خلق کند؛ بنابراین ما در این مقاله تلاش کردیم تا حقوق ملت در مانیفست فکری جریان ملی گوروش را با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق. (نویسنده مسئول)

mahdipiroozfar1371@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)

valizadeh@isu.ac.ir

۳. دکترای تخصصی، دانشگاه آزاد قزوین - تاکستان

athary@tiau.ac.ir

استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مقایسه نموده و به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها اشاره کنیم. در واقع ما به دنبال پاسخگویی به این سؤال بودیم که شباهت‌ها و تفاوت‌های اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آراء ملی گوروش چه بوده است؟ در همین راستا یافته‌های تحقیق حاکی از این است که جریان ملی گوروش نه تنها از نظر معرفتی آشنا با مبانی جمهوری اسلامی ایران بوده، بلکه آراء آن‌ها در قواعد و اصول مربوط به حقوق ملت مانند حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق قضایی بسیار به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نزدیک است. البته نباید فراموش کنیم که نفوذ ملی گرایی و لائیسزم در آراء ملی گوروش باعث گردیده تا دیدگاه آن‌ها در برخی موارد با قوانین جمهوری اسلامی ایران که همیشه بر برتری اسلام تأکید می‌کند و منبع تمامی قوانین خود را اسلام می‌داند، تفاوت داشته باشد.

واژگان کلیدی: حقوق ملت، نجم الدین اربکان، ملی گوروش، جمهوری اسلامی ایران، اسلام سیاسی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ با پیروزی بر نظام شاهنشاهی و با شعارهای اسلامی وارد عرصه سیاسی می‌شود. در واقع انقلاب اسلامی هنگامی شکل می‌گیرد که نظام جهانی بر پایه غرب محوری، نزدیک به چهار قرن به عنوان امری بدیهی و تثبیت شده، توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود و هر نوع تحولی که در این نظام و ابعاد گوناگون فکری و اقتصادی و گفتمان‌های جدید مطرح می‌شد، نشأت گرفته از غرب بود و هرگز غرب محوری را به چالش نمی‌کشید. بنابراین حتی انقلاب‌های بزرگ که خارج از جهان غرب به وقوع می‌پیوست، مانند آنچه در چین (۱۹۴۹) یا کوبا (۱۹۵۹) رخ داد، تابعی از نظام‌های فکری و قانونمندی‌های برخاسته از غرب بود، اما انقلاب اسلامی به عنوان تحولی جدید توانست نظام جهانی غرب محور را در ابعاد مختلف به چالش بکشانند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت پیروزی انقلاب اسلامی موجب تحولات عمیق در نظام بین‌المللی شد. (محمدی، ۱۳۸۴: ۵۴)

با استقرار نظام سیاسی اسلامی در ایران بود که غرب عنوان «اسلام سیاسی» را شناخت و رهبری آن را به ایران نسبت داد. (برزگر و خانی آرانی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) به‌رحال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم، نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸ به تصویب مجلس

بررسی نهایی قانون اساسی می‌رسد. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۲۸) در نتیجه با تصویب قانون اساسی، ایدئولوژی اسلامی این انقلاب تثبیت و به‌عنوان یک ایدئولوژی فراملی در جهان مطرح می‌شود. (خرمشاد، ۱۳۸۱: ۶۷) البته لازم به ذکر است که پس از گذشت ده سال از اجرای قانون اساسی، انجام اصلاحاتی جزئی در برخی اصول آن ضروری به نظر می‌رسد، بنابراین قانون اساسی اصلاحی سال ۱۳۶۸ به‌عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی جایگزین قانون سابق می‌شود. (مهرپور، ۳۰: ۱۳۹۱) پس بر این اساس پیروزی انقلاب بر پایه ارزش‌ها و معیارهای اسلامی برای اولین بار در تاریخ مدرن، گفتمان اسلام سیاسی را در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مطرح می‌نماید که تجلی آن را در قانون اساسی به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. البته همان‌گونه که وقوع انقلاب اسلامی ادبیات اسلام سیاسی را وارد دایرة المعارف بین‌المللی می‌کند، ظهور حزب ملی گوروش و نجم‌الدین اربکان نیز باعث رشد اسلام سیاسی در ترکیه می‌شود.

درواقع اسلام در ترکیه با روی کار آمدن آتاتورک به حاشیه رانده می‌شود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱: ۷۷) چراکه آتاتورک به‌عنوان رهبر ترکیه نوین تلاش می‌کند تا تمدن اروپایی را از سبک لباس گرفته تا سایر مظاهر زندگی بپذیرد (ایگدمیر و دوستان، ۱۳۴۸: ۱۵۳) و کشوری لائیک را بنیان‌گذاری کند؛ اما او توجه نمی‌کند که ترکیه به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مانند اروپا رفتار نماید چراکه تفاوت‌های فرهنگی اساسی با غربی‌ها دارد. (Lovell, 2011: 187) جریان ملی گوروش به مقابله با این جریان می‌پردازد و اولین گام‌های اساسی برای بازگرداندن اسلام به عرصه سیاسی و اجتماعی توسط این حزب برداشته می‌شود و آن‌ها می‌توانند روح دوباره‌ای به اسلام‌گرایی ترکیه ببخشند. در حقیقت ملی گوروش که جریانی اسلامی در ترکیه محسوب می‌شود، به‌عنوان یک کنش علمی-اجرائی وارد چارچوب احزاب در ترکیه می‌شود و با ۵ هدف اصلی یعنی دوستی و برادری، حق، آزادی، عدالت و رفاه در ترکیه، تلاش می‌نماید تا به نحوی قدرت را در دست گرفته و ترکیه را به کشوری شاخص و اسلامی تبدیل نماید. البته این جریان به‌شدت ملی‌گرا می‌باشد. (Erbakan, 2014: 33-34)

پس با این وجود نگارنده بر خود لازم دید تا اهداف جریان ملی گوروش در حوزه حقوق ملت را به‌صورت کامل مورد بررسی قرار داده و مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی سال ۶۸ را بیان کند. از آنجایی که اسلام سیاسی با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رشد می‌کند بنابراین لازم است تا دیدگاه‌های اسلام‌گرایان کشورهای مختلف با قانون اساسی جمهوری اسلامی مقایسه شود تا میزان تأثیرپذیری آن‌ها از این حرکت مشخص گردد. در نتیجه مقایسه حقوق ملت در آراء و اهداف ملی گوروش با قانون اساسی ایران می‌تواند بیانگر گرایش‌ها و علاقه‌های آن‌ها به انقلاب ایران نیز باشد. با

عنایت به مطالب ذکر شده سؤال اصلی ما در این تحقیق این است که شباهت‌ها و تفاوت‌های اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آراء ملی گوروش چیست؟ برای رسیدن به جواب این پرسش لازم است تا ابتدا به چند سؤال فرعی نیز پاسخ داده شود؛ بنابراین باید ذکر شود که میزان توجه به اسلام در تصویب اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ملی گوروش چگونه است؟ در کدام بخش از اصول مربوط به حقوق ملت شباهت‌ها بیشتر است؟ در کدام بخش تفاوت‌ها بیشتر است؟ و چه عواملی باعث شکل‌گیری این تفاوت‌ها شده است؟ البته فرضیه ما در این تحقیق این است که اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جریان ملی گوروش بسیار نزدیک و تقریباً شبیه به هم است.

چهارچوب نظری

حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی بیانگر مختصات بنیادین افراد یک جامعه برای داشتن یک زندگی فردی و اجتماعی فعال در آن جامعه است، این حقوق که به حقوق مضاعف نیز معروف است با توجه به مفاد قانونی و اصول حقوقی هر جامعه تعیین می‌شود و به همین دلیل از هر کشور تا کشور دیگر تفاوت‌های بسیار دارد. برخی حقوق‌دانان به دلیل اینکه ماهیت حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی، حقوق بنیادین انسانی است به آن «حقوق بشر در نسخه‌ی ملی» می‌گویند؛ اما واقعیت این است که نسبت حقوق شهروندی، آن را تا حدود بسیاری از حقوق بشر تفکیک می‌کند... (فغان نژاد و نوری، ۱۳۹۱: ۷۰)

البته مفهوم و محتوای شهروندی در طول تاریخ، تحول بسیار یافته تا جایی که می‌توان مفهوم شهروندی در معنای باستانی آن را به برخی لحاظ با مفهوم شهروندی در دنیای مدرن در تضاد دانست؛ بنابراین در حالی که شهروندی در معنای باستانی آن، عنوانی برای تجزیه‌ی اعضای جامعه به دو گروه ذاتاً نابرابر است، این پدیده در معنای مدرن خود، در تلاش برای از میان برداشتن نابرابری‌هاست و چنانچه به جای حقوق همگانی از حقوق ویژه نیز سخن به میان آورد، در تلاش است تا به این وسیله از نابرابری‌ها بکاهد. (موسوی و عموقلی میرآخوری، ۱۳۸۹: ۶۵)

پیشینه تحقیق

نگارنده با جست‌وجوی منابع، هیچ پیشینه‌ای در زمینه مقایسه آراء ملی گوروش با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیدا نکرد. البته در برخی کتب فارسی اشاراتی گذرا به آراء نجم الدین اربکان به‌عنوان

پیشوای حزب ملی گوروش قابل مشاهده است که این اشارات نیز بسیار کلی و غیردقیق است. مثلاً در کتاب تعامل دین و دولت در ترکیه که از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه چاپ شده است، «طراحی نظامی عادلانه» که بخشی از اهداف ملی گوروش است به صورت گذرا مورد اشاره قرار گرفته است. در بخش منابع خارجی نیز آقای «keyman» در مقاله‌ای به نام «Modernity, Secularism and Islam, the case of Turkey» به تلاش‌های آقای اربکان برای رشد اسلام سیاسی در ترکیه اشاره کرده است ولی آراء حزب ملی گوروش را مورد تدقیق قرار نداده است و یا آقای «Hakan yavuz» در «Islamic political identity in Turkey» بحث تأسیس احزاب مختلف توسط نجم الدین اربکان و جنگ مستمر میان مراکز سکولار و گروه‌های اسلام‌گرا را مورد اشاره قرار داده ولی به مانیفست فکری اربکان پرداخته است. در منابع عربی نیز آقای نوفل در مبحث خود «التوافق بین الاسلام و الیدموقراطیه» بحث قدرت‌گیری اسلام‌گرایان، خانم دینا شحاته سازمان‌های سیاسی اسلام‌گرایی و نفوذ اربکان، جلال معوض احزاب تأسیس شده توسط اربکان و محمد نورالدین در «ترکیا ... الی این» شاگردان اربکان و نفوذ او بر گروه‌های اسلام‌گرا را مورد بررسی قرار داده است؛ ولی هیچ نوشته‌ای که آراء سیاسی و مانیفست فکری جریان ملی گوروش را به صورت جداگانه‌ای مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد.

حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

با به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ایران، حاکمیت هزارساله پادشاهی در ایران به اتمام می‌رسد و دوره‌ی جدیدی از تحول حاکمیتی در ایران به وقوع می‌پیوندد که تغییر شگرفی در ساختار حاکمیت محسوب می‌شود؛ بنابراین نخبگان سیاسی کشور لزوم نگارش قانون اساسی جدیدی را برای کشور ضروری می‌پندارند و سعی می‌کنند تا منشور ملی نوینی را ترسیم نمایند تا بیانگر اراده تمامی اقشار جامعه و دربردارنده ایدئولوژی حاکم بر این انقلاب یعنی اسلام سیاسی باشد. در نتیجه نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸ به تصویب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و در روزهای یازدهم و دوازدهم آذرماه طی رفراندومی به تصویب اکثریت مردم می‌رسد. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۲۸) اما با توجه به کاستی‌های قانون اساسی ۱۳۵۸ و بررسی اشکالات ناشی از پراکندگی امور، تجربه ده‌ساله نشان می‌دهد که با مدیریت غیرمنسجم، امور به‌درستی به سامان نمی‌رسد و مسئولیت‌ها لوث می‌گردد؛ بنابراین در بهار سال ۱۳۶۸ از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای عالی قضایی طی نامه‌های جداگانه

درخواست ارائه طریق به منظور تجدیدنظر در قانون اساسی (درحالی که در قانون اساسی این امر به وضوح پیش‌بینی نشده بود) تقدیم امام خمینی (ره) می‌گردد؛ و بدین ترتیب ایشان طی حکمی به رئیس‌جمهور وقت دستورهای لازم در مورد بازنگری در قانون را صادر می‌نمایند. (غمامی، ۱۳۹۰: ۱۴۹) اصلاحات و تغییرات انجام گرفته توسط شورای بازنگری قانون اساسی نیز سرانجام در بیستم تیرماه ۱۳۶۸ به تصویب نهایی می‌رسد و در ۶ مرداد ۱۳۶۸ به همه‌پرسی گذاشته می‌شود و به تأیید ملت می‌رسد. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۳۰) بنابراین زمانی که ما لفظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به کار می‌بریم، منظورمان قانون اساسی سال ۱۳۶۸ است.

ملی گوروش و نجم الدین اربکان:

نجم الدین اربکان، رهبر و پرچم‌دار حرکت اسلامی نوین ترکیه محسوب می‌شود. (خسروشاهی، ۱۴۳۲: ۲۰۴) اگرچه در دوران حکومت جمهوری خواهان ۱۹۲۳-۱۹۵۰ (دوره اسلام زدایی در ترکیه نوین) محدودیت‌های شدیدی بر روی اسلام‌گرایان به اجرا درمی‌آید، اما از دهه ۱۹۵۰ فرایند بازگشت اسلام‌گرایی در ترکیه آغاز می‌شود و مهم‌ترین متغیری که در این فرایند بیش‌تر نقش ایفا می‌کند، «هویت تمدنی» ترک‌هاست که ریشه در دین دارد. (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱: ۶۳) در همین راستا اربکان در سال ۱۹۷۰ حزب نظام ملی را تأسیس می‌کند اما این حزب به دلیل داشتن گرایش‌های اسلامی و گریز از اصول علمانیت و در پی انقلاب آذر ۱۹۷۰ ملغی می‌شود. (معوض، ۱۹۹۷: ۲۲) در نتیجه حزب سلامت ملی به‌عنوان جانشین حزب منحل ملی در ۱۹۷۲ (برابر با ۱۳۵۱ ه.ش) پا به عرصه حیات می‌گذارد و به‌صورت تلویحی اهداف مذهبی را دنبال می‌کند که پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (برابر ۲۱ شهریور سال ۱۳۵۹ ه.ش) به همراه سایر احزاب منحل می‌گردد. (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۱۱۹) با عبور از بحران‌ها و کاهش فشار ارتشیان، حزب رفاه، در سال ۱۹۸۷ وارد عرصه سیاسی ترکیه می‌شود و نجم الدین اربکان که سقوط شوروی را متوجه شده بود تلاش می‌کند تا در سال ۱۹۸۷، مکتب نظام‌مند و جذاب‌تری را خلق کند. (الیگیور، ۱۳۹۴: ۲۱۰) در نهایت تلاش‌های نجم الدین اربکان به ثمر می‌نشیند و حزب رفاه اسلامی به‌عنوان نماینده جریانات اسلامی (ترکیه) می‌تواند در انتخابات دسامبر ۱۹۹۵ به آراء بالایی دست یابد و رئیس حزب آقای اربکان در بهار ۱۹۹۶ به مقام نخست‌وزیری برسد. (صلاح شحاته، ۱۹۹۸: ۱۵۳) البته لازم به ذکر است که اسلام‌گرایان در گذشته نیز در حکومت‌های ائتلافی حضور داشته‌اند مثلاً در ۳۱ آذر/مارس ۱۹۷۵ اسلام‌گرایان در حکومت ائتلافی اول سلیمان دمیرل با ۳ حزب دیگر از جمله حزب سلامت ملی

برای تشکیل حکومت جدید ائتلاف می‌کنند که در این ائتلاف اربکان به مقام معاون نخست‌وزیری می‌رسد. در ۲۱ یولیو ۱۹۷۷ دوباره سلیمان دمیرل حکومت ائتلافی دیگری با حزب حرکت ملی و سلامت تشکیل می‌دهد که نجم‌الدین اربکان در این ائتلاف نیز به مقام معاون نخست‌وزیری می‌رسد. (نورالدین، ۲۰۰۳: ۲۳) اما رسیدن نجم‌الدین اربکان به مقام نخست‌وزیری، یک حادثه تاریخی در منطقه آناتولی محسوب می‌شود، چراکه برای اولین بار بود که از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، یک حزب اسلامی می‌توانست به مرکز قدرت در آنکارا دست یابد. (نوفل، ۱۹۹۶: ۹)

البته به قدرت رسیدن اربکان و اسلام‌گرایان ارتش را ناراحت کرده و باعث می‌شود که آن‌ها در فوریه ۱۹۹۷ دست به مداخله نرم بزنند و کودتای پنهانی را به اجرا بگذارند. اگرچه در این کودتا برخلاف سه مداخله پیشین (۱۹۸۰، ۱۹۷۱، ۱۹۶۰)، از دستگیری دسته‌جمعی و آرایش قشون‌ها در خیابان خبری نیست ولی در نهایت منجر به حذف اسلام‌گرایان از قدرت می‌شود و باعث می‌گردد تا مرحله‌ای از اسلام‌زدایی از ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ کلید بخورد. در حقیقت می‌توان گفت که بدگمانی سازمان‌های نظامی به اربکان و گروه‌های اسلامی باعث می‌شود تا آن‌ها گمان‌کنند که اربکان و اسلام‌گرایان قصد دارند طبیعت نظام سکولار را تغییر داده و دست به انقلاب بزنند. (نورالدین، ۲۰۰۳: ۲۳-۲۴) بنابراین در راستای کنترل اسلام‌گرایان حزب رفاه در سال ۱۹۹۸ ملغی می‌شود (الیگور، ۱۳۹۴: ۲۹۶) و حزب فضیلت جایگزین آن می‌گردد. البته الغای حزب فضیلت در سال ۲۰۰۱ نیز باعث گسترش اختلافات شده و در نهایت به تجزیه حزب می‌انجامد؛ بنابراین سنت‌گرایان با حمایت اربکان حزب سعادت را ایجاد می‌کنند و اصلاح‌طلبان نیز به رهبری رجب طیب اردوغان حزب عدالت و توسعه را بنیان نهاده و قدرت را در سال ۲۰۰۲ در اختیار می‌گیرند. البته کسب پیروزی حزب عدالت و توسعه در نوامبر ۲۰۰۲ به‌مثابه انتقام از ۲۸ فوریه به‌شمار می‌آید، چراکه ۲۸ فوریه با رأی ملت در سال ۲۰۰۲ ساقط می‌شود. (اربکان، ۱۳۹۵: ۹-۱۰)

در نتیجه باید بر این نکته توجه کرد که تغییر نام حزب نظام ملی به حزب سلامت ملی و سپس رفاه و فضیلت و سعادت توسط رهبران جریان اسلامی ملی گوروش، در حقیقت ناشی از فشارهای حاصل از جنگ قدرت مستمر میان مراکز سکولار و اسلام سیاسی بوده است. (Yavuz, 2003: 208) بنابراین باید اذعان کرد که تنها بنیان‌گذار اسلام سیاسی در سایه دموکراسی در ترکیه کسی جز نجم‌الدین اربکان و جریان ملی گوروش نیست. (حرب، ۱۹۹۸: ۷۷)

مقایسه حقوق ملت در آراء ملی گوروش و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

۱) نقاط اشتراک محوری:

۱-۱- حقوق مدنی و سیاسی:

حقوق مدنی و سیاسی را می‌توان به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی مربوط به نوع اندیشه و اعتقادات و آزادی بیان و رفتار افراد در زندگی خصوصی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها که معمولاً از آن‌ها به حقوق و آزادی‌های فردی تعبیر می‌شود، اطلاق کرد.

۱-۱-۱ مصونیت حقوق فردی از تعرض:

اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اذعان می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» (منصور، ۱۳۹۱: ۳۹) بنابراین هرگونه تعرض یا ایجاد محدودیت خودسرانه از هر کس و از هر مقامی نسبت به جان، مال، حیثیت، مسکن و شغل اشخاص و بخصوص هریک از شهروندان ممنوع است. البته فتوای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران در این زمینه نیز جالب است. ایشان در پاسخ به سؤالی که شورای عالی قضایی وقت در سال ۱۳۶۲ در خصوص چگونگی تعامل با کفار از اهل کتاب و غیر اهل کتاب و شمول مقررات قانون مجازات اسلامی بر آن‌ها همانند مسلمانان یا لزوم اتخاذ ترتیب دیگری از ایشان پرسید، فرمودند: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آن‌ها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است.» (مهرپور، ۱۳۹۱: ۵۶)

اصل ۲۵ قانون اساسی نیز در خصوص محفوظ بودن اطلاعات، مسائل و اسرار شخصی و خصوصی افراد مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون» (منصور، ۱۳۹۱: ۴۰)

در مقابل «ملی‌گوروش نیز ضرورت زیست، آزادی و امنیت عمومی را حق همه می‌داند؛ بنابراین از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها تأمین امنیت عمومی است و همه باید از حق حفظ، حمایت و گسترش حقوق مادی و معنوی و زیست آزاد برخوردار باشند. ملی‌گوروش هم چنین معتقد است که زندگی خصوصی، خانواده، مسکن اشخاص و ارتباطات آن‌ها غیرقابل مداخله است.» (SAADET Partisi, 2015/10/03) ولی به هیچ‌عنوان در مورد اسرار شخصی، بازرسی نامه‌ها و افشای مکالمات و سانسور چیزی ذکر نمی‌کند.

البته تفاوت اساسی میان دیدگاه ملی گوروش و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصونیت حقوق فردی را مقید به اجازه قانون نموده، درحالی که مصونیت این حقوق در دیدگاه ملی گوروش مطلق و لاقید است.

۲-۱-۱- آزادی عقیده و منع تفتیش عقاید:

مفهوم آزادی عقیده شامل هر نوع اعتقاد مذهبی، علمی، فلسفی، سیاسی، اخلاقی و مانند آن است و اعتقاد به ادیان و آیین‌های مذهبی را نیز دربر می‌گیرد. ماده هجدهم اعلامیه حقوق بشر به‌صراحت در این زمینه اعلام می‌دارد:

«همه انسان‌ها دارای حق آزادی فکر، وجدان و مذهب هستند، این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و هم چنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است. هرکسی می‌تواند از این حقوق منفردا یا مجتمعاً، به‌طور خصوصی یا به‌طور عمومی برخوردار باشد.» (خانی، ۱۳۸۹: ۳۷۲)

پس آزادی تغییر و انتخاب مذهب به این معناست که فرد حق دارد آزادانه، هر آیین و عقیده مذهبی را برگزیند، یا از عقیده خود دست بکشد، آیین دیگری را برگزیند و یا اساساً بدون اعتقاد به مذهب دینی زندگی کند و هیچ فرد یا قدرتی نمی‌تواند این آزادی را سلب کند و افراد را مجبور به پذیرش یک دین یا ترک یک آیین کند. البته آزادی عقیده بدان گستردگی که در غرب مطرح است در اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است. (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۵۱)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، تصریح به آزادی عقیده و مذهب و ابراز آن نکرده ولی با تعبیری که در اصل ۲۳ آمده، می‌توان گفت همین معنی بیان شده است. اصل بیست و سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» اگرچه این اصل به‌صورت صریح بر حق آزادی عقاید تصریح نکرده است ولی به‌صورت ضمنی می‌توان دو برداشت از آن استخراج نمود:

۱) تفتیش عقاید ممنوع است و نباید مردم را جهت فهم عقایدشان مورد تفتیش قرار دارد.

۲) هیچ کس را نمی‌توان به خاطر صرف داشتن عقیده‌ای خاص مورد مؤاخذه قرار داد.

البته لازم به ذکر است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دوازدهم خود اذعان می‌کند که «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این

مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب»

اصل سیزدهم نیز اذعان می‌دارد که: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند.» بنابراین به نظر می‌رسد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی عقیده به‌ویژه در عرصه دینی، محدود بوده و اجازه ابراز عقاید و حتی تبلیغ به تمامی ادیان و نحله‌ها به‌استثناء موارد ذکر شده در قانون، داده نشده است. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت آزادی عقیده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشروط و ممنوعیت تفتیش عقاید مطلق است؛ بنابراین تا زمانی که افراد علائق و عقاید خود را بیان و تبلیغ نکنند، هیچ فردی اجازه مداخله در امور آن‌ها را ندارد. البته در بعدی کلان‌تر می‌توان ادعا کرد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی عقاید دینی را محدود به چند دین آسمانی کرده و در مورد سایر عقاید فلسفی، علمی، اخلاقی و ... سکوت نموده است. اگرچه استنباط این اصل از روح کلی حاکم بر قانون اساسی ایران نیز صحیح به نظر می‌رسد که تمامی عقاید (فلسفی، علمی، اخلاقی و ...) در صورتی که در تضاد با اسلام نباشند، آزادند.

اما ملی‌گوروش که خود را یک کنش علمی و فکری می‌داند، معتقد است که آزادی اندیشه و عقیده، اساس و زیربنای دموکراسی هستند؛ بنابراین آزادی عقیده، حق سازمان‌دهی، آموزش و رشد عقاید و زیست بر اساس باورهای انسانی را ضروری می‌داند. در حقیقت ملی‌گوروش معتقد است که حق جست‌وجو، بهره‌برداری و انتشار عقاید (به معنی عام آن)، یک حق غیرقابل انکار است. (Erbakan, 2014: 203-240) البته این دیدگاه با اساس سیاست مذهبی ترکیه نوین، یعنی «لائسیم» نیز هم‌خوانی دارد. در نتیجه بررسی اقدامات جریان ملی‌گوروش حاکی از این است که ایشان به اصول لائسیم و سکولاریسم اعتراضی نداشته، اگرچه همیشه به فعالیت‌های لائسیم و سکولاریزم انتقاد داشته است. (M KER, 2002: 22)

به‌هرحال لازم به ذکر است که آزادی عقیده و افکار در آراء ملی‌گوروش به دلیل تأثیر پذیرفتن از سنت لائسیم، بسیار بازتر و گسترده‌تر از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و موشکافی قرار گرفته است.

۳-۱-۱- آزادی بیان و مطبوعات:

در متون حقوق بشری و بسیاری از قوانین اساسی، حق آزادی بیان و اظهارنظر جزء حقوق و آزادی‌های اساسی ذکر شده و آزادی مطبوعات نیز به عنوان یکی از مصادیق بارز آزادی بیان و اظهارنظر مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است.

در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاه یا به صورت نوشته یا چاپ یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.»

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلی برای بیان حق آزادی بیان به طور عام و کلی، چنانکه در قوانین اساسی بسیاری از کشورهاست، اختصاص نیافته است ولی در اصول مختلف به مناسبت از این حق سخن به میان آمده و در مورد آزادی مطبوعات اصل مشخصی که اصل ۲۴ قانون اساسی است به آن پرداخته است. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۶۰) اصل ۲۴ قانون اساسی به صراحت اعلام می‌کند که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش برجسته‌ی مطبوعات در آزادی بیان، انتشار مطالب توسط مطبوعات را آزاد دانسته ولی دو قید اساسی برای آن قرار داده است: اول اینکه مخل مبانی اسلام نبوده و دیگر اینکه مغایر با حقوق عمومی نباشد. البته ملی‌گوروش کمی صریح‌تر در مورد آزادی بیان صحبت کرده و در اهداف و آرمان‌های خود این حق را اساس دموکراسی و زیربنای آن دانسته و بر آن تأکید و تصریح می‌کند. در حقیقت ملی‌گوروش اعلام می‌دارد که آزادی بیان و هم‌چنین تلاش برای یافتن اطلاعات، تحصیل، بهره‌برداری و انتشار آن‌ها یک حق اساسی است. هم‌چنین بر جریان آزادی اخبار و حق انتشار مطالب و انتقاد از آن‌ها تأکید کرده و مرزبندی مطبوعات را رد می‌کند. (SAADET Partisi, 2015/10/03) در حقیقت ملی‌گوروش سه هدف اصلی برای خود برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: (۱) حق مداری (۲) معنویت‌گرایی (۳) تربیت‌گرایی (milligorusportal, 2006/11/16) که بدون آزادی بیان امکان رسیدن به این اهداف در جامعه سکولار و ارتش مدار ترکیه محال است.

۴-۱-۱- آزادی احزاب و اجتماعات:

یکی از مظاهر و مصادیق بارز دموکراسی و مشارکت مردم در اداره مملکت و حاکمیت، شناختن حق آزادی افراد در تشکیل و سامان دادن گروه‌های همفکر و هم‌سلیقه است که با توافق بر یک سلسله اصول

و ضوابط و تعریف اهداف مشخص سیاسی و اجتماعی و روش‌های خاص فعالیت دسته‌جمعی، به صورت مرانامه یا اساسنامه برای در دست گرفتن قدرت و مشارکت در حکومت و یا رسیدن به اهداف خاص اجتماعی و اقتصادی، فعالیت می‌کنند، تشکیل این گونه گروه‌ها و دسته‌ها و به تعبیری احزاب باید آزاد باشد و هر کس حق داشته باشد به آن‌ها بپیوندد و هیچ کس مجبور به عضویت و شرکت در گروه یا حزب خاصی نگردد، طبعاً باید این گروه‌ها و تشکله‌ها، حاکمیت ملی را قبول داشته باشند و فعالیتشان مغایر و مخل نظم عمومی نباشد. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۶۴) بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل حزب، جمعیت، انجمن سیاسی، صنفی و مذهبی را در حدی که اصول استقلال و آزادی و موازین اسلامی را نقض نکنند، آزاد اعلام نموده و عضویت آزادانه افراد را در آن‌ها مجاز دانسته است، اصل بیست و ششم در این خصوص مقرر می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»

به غیر از تشکیل احزاب و جمعیت‌ها، گاهی ممکن است افرادی به طور موردی و مناسبتی برای بیان نظریات و احیاناً اعتراضات خود، اجتماعاتی را برپا نمایند و یا تظاهرات خیابانی راه بیاندازند، قانون اساسی این امر را نیز مجاز شمرده و حق افراد دانسته است. اصل بیست و هفت قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

ملی گوروش نیز معتقد است که گروه‌های انسانی در قالب انجمن، سندیکا، اتاق‌ها و احزاب سیاسی دارای حق اجتماع و راه‌پیمایی جهت بیان و اظهار عقاید خود هستند. البته این حق در دیدگاه ملی گوروش مطلق ذکر شده و مقید به هیچ قیدی نیست. (SAADET Partisi, 2015/10/03) بنابراین آزادی احزاب و اجتماعات در آراء ملی گوروش مطلق بوده و برخلاف قانون جمهوری اسلامی ایران مقید به حفظ حریم اسلامی نیست. به عبارت دیگر ملی گوروش برخلاف قانون‌گذاران جمهوری اسلامی ایران سعی کرده تا قانونی عرفی را به جای قانون اسلام برای خود انتخاب کند و به هیچ وجه قوانین خود را مقید به اسلام نکند تا موجب عکس‌العمل جامعه سکولار و ارتشیان که همیشه جهت سرکوب جریان‌های اسلامی حاضرند نشود.

۱-۱-۵- تابعیت

تابعیت رابطه‌ای حقوقی است که بین یک فرد و یک دولت وجود دارد که به موجب آن فرد دارای وظایفی در قبال دولت است و در عین حال دولت نیز حمایت از فرد را بر عهده دارد. تابعیت در واقع نمایانگر هویت یک فرد است و شخص بدون تابعیت فاقد هویت محسوب می‌شود. اصل چهل و یکم قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «تابعیت کشور ایران، حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» البته تحصیل تابعیت نیز در قانون اساسی دیده شده و مدنظر قرار گرفته است. اصل چهل و دوم قانون اساسی در این زمینه اعلام می‌دارد: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی که ممکن است دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند.»

بنابراین می‌توان ادعا کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تابعیت به عنوان یک حق انسانی برای همه شناخته شده است و هیچ کس حق سلب تابعیت افراد را ندارد، مگر به درخواست خود آن‌ها و یا پذیرش تابعیت کشوری دیگر.

در مقابل «جریان ملی‌گروش» که معتقد است واکنش یک حرکت یا تفکر نیست بلکه مستقیماً به عنوان کنش علمی یا فکری پا به میدان گذاشته؛ (اریکان، ۱۳۹۵: ۹۱) به مباحث مربوط به تابعیت نپرداخته است و این یک نقص برای این جریان محسوب می‌شود.

۱-۲- حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:

منظور از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آن دسته حقوقی هستند که در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تمام ملت به رسمیت شناخته می‌شود.

۱-۲-۱- حق و آزادی انتخاب شغل:

حق کار کردن، انتخاب آزادانه شغل و گرفتن مزد مساوی در برابر کار مساوی و پرهیز از تبعیض بر اساس نژاد، جنس، زبان و مذهب در ارجاع شغل و فراهم کردن زمینه اشتغال از حقوق اساسی افراد یک جامعه و در حدی که مربوط به فراهم کردن زمینه و امکانات، رفع تبعیض، منع اجبار افراد به کار معین مقررات مربوط به تساوی مزد در برابر کار مساوی می‌شود از وظایف دولت‌هاست. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۶۹)

به موجب آزادی فردی، شهروند می‌تواند هر شغلی را که تمایل دارد، برگزیند. به یقین، این آزادی، هم کار مستقل و هم کار برای دیگری را دربر می‌گیرد. این آزادی واکنش در برابر دوره‌ای بود که مشاغل به طبقه اجتماعی افراد تعلق داشت و برخی گروه‌های اجتماعی از اشتغال به برخی مشاغل بدون دلیل موجه منع شده بودند. به علاوه، این آزادی واکنشی در مقابل مصادیق گوناگون کار اجباری نیز بود که بدون آزادی انتخاب، انسان مورد بهره‌کشی قرار می‌گرفت. در عین باید تأکید کنیم که هیچ شهروندی را نمی‌توان به اشتغال در شغلی مجبور کرد. البته لازم به یادآوری است که شغل موردنظر نباید مغایر قوانین و مقررات، نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. (ویژه، ۱۳۹۴: ۱۵۰) در حقیقت هدف از این حق پرهیز از انحصارگرایی بود که به گفته «دال» از خطرات دموکراسی محسوب می‌شد. (سیف زاده، ۱۳۹۱: ۲۸۰)

در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حق اشتغال و آزادی انتخاب آن و تکلیف دولت در فراهم کردن زمینه آن را برای همه بدون تبعیض به رسمیت شناخته است. اصل ۲۸ قانون اساسی اعلام می‌دارد:

«هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل، ایجاد نماید.» بنابراین قانون اساسی دو حق را به رسمیت شناخته است: ۱) هر کس حق دارد هر شغلی را که مغایر اسلام و مصالح عمومی نباشد، برگزیند، ۲) دولت موظف است برای همه شرایط اشتغال آماده کند.

البته در این بخش برخی محدودیت‌ها نیز وجود دارد مثلاً احراز برخی از مشاغل مانند قضاوت طبق قانون مربوط به انتخاب قضات مصوب سال ۱۳۶۱ خاص مردان است و زنان از احراز منصب قضا ممنوع‌اند. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۷۱)

در مقابل ملی‌گوروش با تأکید بر حق آزادی اشتغال هیچ قیدی برای آن تعریف نمی‌کند و آزادی اشتغال را به صورت مطلق می‌پذیرد. (SAADET Partisi, 2015/10/03) البته به نظر می‌رسد که بیان حق مطلق آزادی شغل از سوی ملی‌گوروش بیانگر آزادی اشتغال به کارهایی مطابق با قانون است و قطعاً آن‌ها چنین مفهومی را در پس ذهن خود داشته‌اند، اگرچه به قلم نیاورده‌اند. هم‌چنین دقت به این نکته نیز ضروری است که ملی‌گوروش میان زنان و مردان در هیچ شغلی حتی منصب قضاوت تفاوتی قائل نمی‌شود و حق اشتغال را به صورت مطلق البته با قید مقدر قانونی ذکر می‌کند.

بنابراین شاید بتوان گفت که مهم‌ترین تفاوت میان آراء ملی گوروش و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همان تفاوت قائل شدن میان زنان و مردان در تصدی برخی شغل‌ها مانند قضاوت است. البته قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این تفاوت را به صورت صریح ذکر نمی‌کند ولی با مقید نمودن قانون به اسلام، فضا را برای تصویب قوانین جهت ایجاد محدودیت در این زمینه باز می‌کند.

۲-۱-۲- آموزش و پرورش رایگان و همگانی

آموزش و پرورش نیز از اموری است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه جدی و عمیق قرار گرفته است. آزادی آموزشی بدین معناست که در وهله نخست، هر شهروندی بتواند در چارچوب قوانین و مقررات و به شرط احراز شرایط مقرر، موسسه‌های آموزشی را تأسیس و اداره نماید. در وهله دوم، اولیاء بتوانند محل تحصیل و آموزش فرزندان خویش را انتخاب کنند. (ویژه، ۱۳۹۴: ۱۴۹)

در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز توجه خاصی به آموزش و پرورش مبذول و بر تعمیم و همگانی بودن و رایگان بودن آن نه در سطح ابتدائی بلکه تا سطوح متوسطه تصریح کرده است. یکی از وظایف اساسی دولت در بند ۳ اصل سوم قانون اساسی: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» شمرده شده است. اصل سی‌ام قانون اساسی نیز به صراحت اعلام داشته: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

ملی گوروش نیز در همین راستا اعلام می‌دارد: «آموزش و پرورش باید در راستای توسعه شخصیت انسان، حقوق انسانی و تقویت آن فعالیت کند. در حقیقت آموزش و پرورش باید برای تقویت فهم و تحمل و دوستی متقابل تلاش نماید.» همچنین ملی گوروش تأکید می‌کند که علوم، تحقیقات و آموزش و پرورش به صورت مطلق آزاد است و همه حق دارند به تأسیس مؤسسات آموزشی اقدام نمایند و هیچ کس نمی‌تواند مانع آن‌ها شود. (SAADET Partisi, 2015/10/03)

البته ملی گوروش چیزی در مورد آموزش رایگان و اجباری حداقل در مراحل ابتدایی ذکر نمی‌کند. ولی می‌توان ادعا کرد که احتمالاً آن‌ها آموزش اجباری در مرحله ابتدایی را به صورت پیش فرض گرفته و به همین دلیل در مورد آن صحبت نکرده‌اند.

۳-۲-۱- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و مسکن متناسب

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۹ اشعار می‌دارد: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

هم‌چنین در ارتباط با مسکن افراد اصل ۳۱ قانون اساسی اعلام می‌دارد: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند، به‌خصوص روستاییان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم سازد.»

در مقابل ملی‌گوروش نیز در آراء خود اعلام کرده است: «بیمه اجتماعی یکی از حقوق اساسی انسان‌هاست» و انسان‌ها تا زمانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند باید قدرت پاسخگویی به نیازهای رایج خود را داشته باشند؛ بنابراین همه انسان‌ها باید از بیمه اجتماعی سهمی مساوی داشته باشند، چراکه عدالت زیربنای تأمین اجتماعی محسوب می‌شود. (SAADET Partisi, 2015/10/03) البته ملی‌گوروش در مورد تأمین مسکن سکوت می‌کند و قانونی را بیان نمی‌نماید. اگرچه تأکید بر روی عدالت در آراء ملی‌گوروش قابل رؤیت است؛ چنانچه اربکان یکی از آرمان‌های ملی‌گوروش را ایجاد ساختاری عدالت محور ذکر می‌کند و معتقد است که زندگی، جهادی در راستای رسیدن به ساختاری عدالت محور است. (Erbakan, 2014: 203-240)

۳-۱- حقوق قضایی:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جدا از اصولی که در فصل مربوط به قوه قضاییه برای بیان سیستم قضایی بیان کرده، در فصل مربوط به حقوق ملت، تعدادی ضوابط اساسی و معیارهای لازم الرعایه حقوق بشری ذکر کرده است از قبیل: منع بازداشت خودسرانه، حق دادخواهی، دستیابی به وکیل، اصل برائت، ممنوعیت شکنجه و اصل قانونی بودن جرم و مجازات (مهرپور، ۱۳۹۱: ۷۴) که ذیلاً به هریک از آن‌ها اشاره‌ای می‌کنیم:

۱-۳-۱- منع بازداشت خودسرانه:

اصل سی و دوم قانون اساسی در این رابطه مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» بنابراین هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر:

۱) به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.

۲) موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.

۳) حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال شود.

۴) در دستگاه قضایی نیز باید حتی الامکان هر چه سریع‌تر مقدمات محاکمه فراهم شود.

ملی گوروش نیز اعلام می‌دارد که دادرسی باید کاملاً عادلانه باشد و اشخاص به صورت خودسرانه بازداشت نشوند. در حقیقت تنها راه بازداشت افراد محاکمه آن‌ها در دادگاه است و هیچ کس نمی‌تواند احدی را بدون محاکمه و به صورت خودسرانه دستگیر کند. (SAADAT Partisi, 2015/10/03)

مقایسه آراء ملی گوروش با قانون اساسی به وضوح نشان می‌دهد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلیل نگرانی انقلابیون ایران از تکرار حوادث تلخ دوران رژیم پهلوی، بسیار پخته‌تر از ملی گوروش به بحث منع بازداشت خودسرانه پرداخته و جوانب آن را مورد بررسی قرار داده است.

۱-۳-۲- حق دادخواهی:

حق دادخواهی و به رسمیت شناختن این حق برای هر فرد و هر یک از آحاد ملت صرف نظر از هرگونه ویژگی نژادی، جنسی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی که بتواند در صورت لزوم به دادگاه صالح رجوع کند و دعایش مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد، از جمله حقوق انسانی شناخته شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. (مهرپور، ۱۳۹۱: ۷۶)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این حق را برای همه افراد ملت به رسمیت شناخته و در اصل سی و چهارم مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به

دادگاه‌های صالح رجوع نمایند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»
البته ملی گوروش نیز حق دادخواهی را برای تمام ملت ترکیه به رسمیت شناخته و اعلام می‌دارد که همه مردم حق دارند برای احقاق حق خود به دادگاه‌های صالح رجوع کنند. این دادگاه‌ها باید در دسترس تمامی شهروندان باشد. (SAADET Partisi, 2015/10/03)

۳-۳-۱- حق دسترسی به وکیل:

از آنجا که طرح دعاوی در دادگاه‌ها و مراجع قضایی و نیز دفاع از شکایات و یا اتهامات نیازمند آشنایی به قوانین است و اکثر مردم در این زمینه اطلاع و سواد ندارند بنابراین حق دسترسی به وکیل یک حق اساسی محسوب می‌شود. اصل سی و پنج قانون اساسی در این زمینه اعلام می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها، امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» بنابراین نه تنها همه حق تعیین وکیل را دارند، بلکه دولت مکلف است امکانات تعیین وکیل را نیز برای همه فراهم کند.

ملی گوروش نیز در این زمینه تأکید می‌کند که عدالت نه تنها اساس دادخواهی بلکه زیربنای کشورداری است و باید همه امکان دسترسی به حقوق خود را داشته باشند ولی در مورد حق آزاد دسترسی به وکیل و حتی تکلیف دول در این زمینه حرفی نمی‌زند بلکه کارگزاران دولت را به ایجاد و گسترش ساختاری عدالت محور توصیه و تشویق می‌کند. (Erbakan, 2014: 207-235) بنابراین سکوت ملی گوروش در این زمینه بیانگر ضعف قوانین آن‌ها و پختگی قانون اساسی ایران است.

۴-۳-۱- اصل برائت:

اصل برائت یا فرض بی‌گناه دانستن افراد تا وقتی که جرم و تقصیر آن‌ها طبق ضوابط قانونی ثابت شود نیز از اصول شناخته شده حقوق انسان‌هاست. بر همین اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این حق اشاره کرده و در اصل ۳۷ خود بیان می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

تقریباً شبیه همین اصل را در آراء ملی‌گوروش نیز می‌توان به راحتی مشاهده کرد. ملی‌گوروش معتقد است که همه انسان‌ها بی‌گناه هستند مگر آنکه جرائم آن‌ها در دادگاه‌های صالح اثبات شود. بدون اقامه دعوا و حکم قاضی هیچ‌کسی را نمی‌توان دستگیر کرد. (SAADET Partisi, 2015/10/03) البته اگرچه لفظ براءت به صراحت در آراء ملی‌گوروش ذکر نگردیده ولی مضمون این اصل در آراء آن‌ها تکرار شده که بیانگر قرابت آراء ملی‌گوروش داعیه‌دار اسلام سیاسی در ترکیه سکولار با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۵-۳-۱- اصل قانونی بودن جرم و جنایت:

می‌توان ادعا کرد که اصل براءت نتیجه منطقی اصل قانونی بودن جرائم به شمار می‌رود. (ویژه، ۱۳۹۴: ۱۳۰) طبق اصل سی و ششم قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» اصل ۱۶۶ نیز اعلام می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.» بنابراین زمانی می‌توان فردی را دستگیر و حبس کرد که مرتکب عمل غیرقانونی شده باشد. در نتیجه هیچ فردی را نمی‌توان به خاطر انجام عملی که بر اساس قانون جرم نیست، بازداشت و زندانی نمود.

در همین راستا رهبران جریان ملی‌گوروش اعلام می‌دارند: «هیچ‌کسی را به صورت دلخواهی نمی‌توان دستگیر، حبس و یا تبعید کرد. همه جرائم باید در قانون شناسایی شده و توسط مرجع ذی‌صلاح یعنی دادگاه‌ها تأیید شوند. همچنین فرد متهم باید تمام امکانات لازم برای دفاع از خود را در اختیار داشته باشد و محاکمه او به صورت علنی و آشکار و نه به صورت پنهان و پشت درهای بسته صورت پذیرد.» (SAADET Partisi, 2015/10/03)

۶-۳-۱- ممنوعیت شکنجه:

شکنجه علی‌الاصول به مفهوم اعمال آزار جسمی یا روحی بر روی شخصی برای وادار کردن او به اقرار تعریف شده است. به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکنجه^۱ ممنوع و برای مرتکبین آن

مجازات در نظر گرفته شده است. اصل ۳۸ قانون اساسی به صراحت اعلام می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» اصل سی و نهم نیز اعلام می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»^۱

ملی گوروش نیز تقریباً شبیه همین مطلب را ذکر کرده و اعلام می‌دارد: هیچ کس حق ندارد با رفتار ظالمانه، غیرانسانی و حیثیت بر، دیگران را مجازات کند و یا دست به شکنجه بزند. تمامی این رفتارها غیرقابل قبول هستند. هم چنین ملی گوروش تأکید می‌کند که شکنجه یکی از اشتباهات بزرگ جامعه بشری در طول تاریخ بوده و باید جلوی آن گرفته شود. (SAADET Partisi, 2015/10/03)

۲) نقاط افتراق محوری:

البته از نظر روح حاکم بر قوانین ملی گوروش که گاهی سبب تفاوت آراء آن‌ها با قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌شود، می‌توان به دو عامل اساسی زیر اشاره کرد، به عبارت دیگر این دو عامل باعث شده که ملی گوروش علی‌رغم شعارهای اسلامی‌اش، گاهی قوانینی عرفی و مغایر با قانون اساسی ایران و حتی اسلام به تصویب رساند.

۲-۱- ملی گرایی:

واژه ملت که در زبان اروپایی به آن «nation» می‌گویند از قرن سیزدهم میلادی به این سو رواج یافته و مشتق از واژه «nasci» به معنای متولد شدن است. «nation» در حقیقت به مردمی اشاره دارد که بر مبنای اصل و نصب یا محل تولد با هم ارتباط داشته باشند. (هی وود، ۱۳۷۹: ۲۶۹) سیر شکل‌گیری ناسیونالیسم ترکی تاریخچه‌ای عمیق دارد ولی می‌شود به صورت مختصر بیان داشت که مفهوم ناسیونالیسم آزادی خواهانه عثمانی که نامق کمال به صورت ادیبانه‌ای طرح و بیان کرده بود، با ترکسیم ایام جوانی ضیاء گوک آلپ ترکیب می‌شود و بدین ترتیب ناسیونالیسم سیاسی ترکیه را به عرصه وجود می‌رساند.

۱. البته سر این قضیه در شورای بازنگری قانون اساسی کمی مناقشه وجود داشته که در نهایت با سخنان جناب آقای بهشتی تمام می‌شود. (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹، ۶۲۰)

(رابینسون، ۱۳۴۷: ۲۳) رشد ملی‌گرایی در ترکیه به قدری عمیق و سریع بوده که حتی اسلام‌گرایانی چون جریان ملی‌گوروش نیز از این امر مستثنا نبوده و به شدت بر روی ملی‌گرایی ترک تأکید کرده‌اند؛ چنانچه آقای اربکان در کتاب نبرد من که تقریباً بیانگر مانیفست فکری اوست خود را فردی ملی‌گرا نمایش داده و سعی می‌کند بر چهره ملی‌گرایی جریان ملی‌گوروش تأکید کند. (اربکان، ۱۳۹۵: ۱۷۱-۱۸۵)

به‌رحال دقت در کتاب «نبرد من» نجم‌الدین اربکان این نکته را به‌وضوح می‌رساند که ایشان دارای گرایش‌های بسیار عمیق ناسیونالیستی هستند و شاید همین عامل باعث شده است که محققان او را فردی محدود به ترکیه بدانند. (حرب، ۱۹۹۸: ۷۸) البته بیان مسائلی مانند ناسیونالیسم ترکی و اتحاد جهان اسلام، مبحثی پارادوکسیکال در اندیشه‌های اربکان است. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که مبحث ملی‌گرایی نقطه افتراق تفکرات نجم‌الدین اربکان با بینش امت‌محور قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در اصل یازدهم قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش بی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

۲-۲ لائیسزم:

اساس سیاست مذهبی ترکیه نوین، «لائیسزم» و هدف از این سیاست عزل اسلام بود؛ در حقیقت مصطفی کمال بنیان‌گذار ترکیه نوین قصد داشت با این سیاست جدید قدرت دین و شارحان آن را به حداقل برساند. (برنارد، ۱۳۷۲: ۵۷۰) بررسی و مطالعه آثار و سخنرانی‌ها و سیره عملی نجم‌الدین اربکان حاکی از این است که ایشان به اصول لائیسزم و سکولاریسم اعتراضی نداشته، اگرچه همیشه به فعالیت‌های لائیسزم و سکولاریزم انتقاد داشته است. (İMİŞİKER, 2002: 22)

ملی‌گوروش در مقابل این پرسش که بینش ملی‌شان از لائیسزم چیست؟ می‌گویند: به نظر می‌رسد که لائیسزم در جامعه ما به‌غلط تعبیر و تفسیر شده است. چراکه در این کشور لائیسزم به این معناست که آن‌ها که اعتقاد دینی ندارند باید بر آن‌ها که اعتقاد دارند، حکم برانند و به موجودیت این افراد بی‌اعتنا باشند. به همین دلیل بیش‌تر تنش‌های موجود در جامعه از همین سوءتعبیر ناشی می‌شود، درحالی‌که اگر به مفهوم

لائسیم وفادار بمانیم، آنگاه خواهیم دید که این همه سوء تعبیرها بی جاست، زیرا لائسیم به بیان ساده بدین معناست که شما و ما هر دو حق حیات داریم. از این رو لائسیم اجازه نمی‌دهد کسی به خاطر اعتقاد یا عدم اعتقاد سرزنش شود یا کسی به لحاظ داشتن اندیشه‌ای متفاوت، حق مشارکت در امور جامعه را نداشته باشد. (سلامتی، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴)

بنابراین می‌توان ادعا کرد که ملی‌گوروش میان دو گرایش اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی در مانده و سعی کرده است تلفیقی از ناسیونالیسم ترکی و امت‌محوری اسلامی را در رفتار خود به نمایش گذارد. به همین دلیل است که ایشان به کشورهای مسلمان پیشنهاد تشکیل یک اتحاد اسلامی را می‌دهند ولی در مقام عمل تحت تأثیر بینش ملی‌گرایی ترک خود، ترکیه را پیشگام این اتحاد و رهبر فرض می‌کنند. (Erbakan, 2014: 208) از یک سو تحت تأثیر گرایش‌های اسلامی خود، مسلمانان را دعوت به اتحاد می‌کنند و از سوی دیگر تحت تأثیر ملی‌گرایی خود لائسیم را تبلیغ می‌کنند، چراکه به گفته خودشان لائسیم و سکولاریسم بخشی از تاریخ ملی ترک‌هاست. (M HR, 2002: 22)

بنابراین باید بگوییم که ملی‌گوروش در بحث لائسیم نیز از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شدت فاصله می‌گیرد، چراکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لائسیم را بی‌اعتبار دانسته و تنها ایده‌ال خود را اسلام و یا به تعبیر دقیق‌تر «مردم‌سالاری دینی» معرفی کرده است.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی تطبیقی آراء ملی گوروش با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است. بررسی آراء ملی گوروش این نکته را به وضوح نشان می‌دهد که این جریان از نظر معرفتی شیفته جمهوری اسلامی ایران بوده و آراء ایشان در برخی اصول مانند حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق قضایی بسیار به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نزدیک بوده است. البته نباید فراموش کنیم که نفوذ ملی‌گرایی و لائیسزم در آراء ملی گوروش باعث گردیده تا نظرات آن‌ها در برخی موارد با قوانین جمهوری اسلامی ایران که همیشه بر برتری اسلام تأکید می‌کند و منبع تمامی قوانین خود را اسلام می‌داند، تفاوت داشته باشد. چنانچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تمامی حقوق ملت را مقید به اسلام می‌کند ولی چنین چیزی در آراء ملی گوروش که خود را پیشرو اسلام سیاسی در ترکیه می‌داند، دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر ملی گوروش تلاش می‌نماید تا میان اسلام و سکولاریسم رایج در ترکیه جمع نموده و هیچ کدام را کنار نگذارد، درحالی که اسلام دال مرکزی گفتمان اسلامی ایران تشکیل داده و منبع تمامی قوانین آن محسوب می‌شود. البته نباید فراموش کنیم که جریان ملی گوروش خود را مجاهد در راه خدا دانسته و حتی ملی‌گرایی و اعتمادش بر لائیسزم آتاتورک را نیز در راه خدا دانسته و با افتخار شعار می‌دهد که تمام کارهایش در راه خدا بوده است.

جدول مقایسه حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مانیفست فکری جریان ملی گوروش ترکیه

محورها	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	مانیفست فکری جریان ملی گوروش	
		اشتراک	افتراق
مصونیت حقوق فردی از تعرض	۱) مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص (مگر به اجازه قانون) ۲) ممنوعیت ضبط و پخش مکالمات و نامه‌ها (مگر به اجازه قانون)	مصونیت زندگی خصوصی، خانواده، مسکن اشخاص و جان افراد	۱) بازرسی و فاش کردن مکالمات و نامه‌ها ۲) مقید کردن حدود به قانون
آزادی عقیده و منع تفتیش عقاید	ممنوعیت تفتیش عقاید و مواخذه افراد به خاطر عقایدشان	ممنوعیت تفتیش عقاید و مواخذه افراد به خاطر عقایدشان	ممنوعیت تفتیش عقاید
آزادی بیان و مطبوعات	آزادی تشریحات و مطبوعات در بیان مطالب مشروط به رعایت مبانی اسلام و حقوق عمومی	آزادی بیان و هم‌چنین تلاش برای یافتن اطلاعات، تحصیل، بهره‌برداری و انتشار آن‌ها	محدود بودن این حق به مبانی اسلام و حقوق عمومی

محوورها	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	مانیفست فکری جریان ملی گوروش	نتیجه مقایسه	
			اشتراک	افتراق
آزادی احزاب و اجتماعات	(۱) آزادی احزاب و جمعیت‌ها مشروط به رعایت اصول وحدت ملی و موازین اسلامی (۲) تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح	آزادی مطلق احزاب و اجتماعات و تشکیل راه‌پیمایی‌ها	آزادی احزاب و اجتماعات و تشکیل راه‌پیمایی‌ها	(۱) آزادی احزاب مشروط به رعایت اصول ملی و موازین اسلامی (۲) ممنوعیت حمل سلاح
تابعیت	آزادی حق تابعیت و دریافت آن	سکوت قانون		
حق و آزادی انتخاب شغل	(۱) آزادی کار مشروط به رعایت مبانی اسلام و حقوق دیگران (۲) آزادی دریافت حقوق و مزد	آزادی مطلق حق اشتغال و دریافت مزد	(۱) آزادی حق اشتغال (۲) آزادی دریافت مزد	مشروط کردن آزادی اشتغال به مبانی اسلام و حقوق دیگران
آموزش و پرورش رایگان	لزوم فراهم نمودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان	لزوم فراهم نمودن لوازم آموزش و پرورش	آموزش و پرورش	(۱) رایگان بودن (۲) تربیت بدنی
تأمین اجتماعی و مسکن	(۱) حق برخورداری از تأمین اجتماعی (۲) حق برخورداری از مسکن متناسب	(۱) حق برخورداری از تأمین اجتماعی	تأمین اجتماعی	مسکن متناسب
منع بازداشت خودسرانه	بازداشت افراد مشروط به حکم قانون	بازداشت افراد مشروط به حکم قانون	بازداشت افراد مشروط به حکم قانون	
حق دادخواهی	دادخواهی و مراجعه به صالحه حق شهروندان است.	دادخواهی و مراجعه به مراجع صالحه حق شهروندان است.	حق دادخواهی و مراجعه به مراجع صالحه	
حق دسترسی به وکیل	(۱) حق دسترسی به وکیل (۲) فراهم نمودن امکانات لازم دسترسی به وکیل	سکوت		
اصل برائت	اصل بر بی‌گناهی است.	اصل بر بی‌گناهی است	اصل بر بی‌گناهی است.	
اصل قانونی بودن جرم و جنایت	حکم به مجازات و اجرای آن از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.	جرائم باید در قانون شناسایی شده و به وسیله دادگاه اثبات شود.		
ممنوعیت شکنجه	(۱) ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت به افراد (۲) تعیین مجازات برای قانون‌شکنان	ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت به افراد	ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت به افراد	تعیین مجازات برای قانون‌شکنان

منابع

۱- فارسی:

- ... (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره تبلیغات و انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- اربکان، نجم الدین (۱۳۹۵)، نبرد من. ترجمه مهدی پیروزفر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- الیگیور، بانو (۱۳۹۴)، بسیج اسلام سیاسی در ترکیه. ترجمه غلامرضا خواجه سروی و حدیث اقبال و حیدر شهریاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول
- ایگدمیر، اولوغ و دیگران (۱۳۴۸)، آتاتورک. ترجمه حمید نطقی، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای تهران: چاپ اول.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه»، نشریه دانش سیاسی. شماره اول، ۳۳-۵۷.
- حیدرزاده نائینی، محمدرضا (۱۳۸۰)، تعامل دین و دولت در ترکیه. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- خانی آرانی، الهه و برزگر، ابراهیم (۱۳۹۰)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر اروپای غربی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۱۹-۱۴۴.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۹)، پیشینه و نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۱)، «انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکرد نظری»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی. شماره یک، ۵۷-۸۰.

- رابینسون، ریچارد (۱۳۴۷)، **جمهوری اول ترکیه**. ترجمه ایرج امینی، تبریز: چاپخانه محمدی، چاپ اول.
- سلامتی، اعظم (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی اسلام‌گرایان ترکیه»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۹۱)، **مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست**. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم.
- شریعتی، سعید (۱۳۸۴)، **حقوق ملت و دولت در قانون اساسی**. تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
- غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- فغان نژاد، سعدالله و نوری، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی حقوق شهروندی در وضعیت بحران، مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و آمریکا»، **دو فصلنامه مدیریت بحران**. شماره یک، ۶۹-۸۱.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۳)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**. تهران: نشر میزان، چاپ یازدهم.
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محمدعلی سبحانی، بی‌جا، انتشارات مترجم، چاپ اول.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**. شماره دوم، ۵۱-۸۴.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۱)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر دوران، چاپ نود و ششم.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۱)، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. انتشارات دادگستر، چاپ سوم.
- موسوی، صادق و عموقلی میرآخوری، نرگس (۱۳۸۹)، «بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره)»، **فصلنامه علمی-پژوهشی نامه الهیات**. شماره ۱۳، ۶۳-۷۸.

- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۱)، «اسلام ترکی تقابل با اسلام انقلابی مروری بر اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، **رهیافت انقلاب اسلامی**. شماره ۱۹، ۶۱-۷۸.
- هی وود، اندرو (۱۳۷۹)، **درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی**. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۴)، **کلیات حقوق اساسی**. تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.

۲- عربی:

- حرب، محمد (۱۹۹۸)، «هل تتجه حركة اربكان الى التشدد»، **السياسة الدولية**. العدد ۱۳۳، ۷۷-۷۹.
- خسروشاهی، هادی (۱۴۳۲)، «نجم الدين اربكان ... رائد الحركة الاسلاميه فى تركيا»، رساله التقريب. العدد ۸۵، ۲۰۳-۲۱۰.
- صلاح شحاته، دينا (۱۹۹۸)، «الاسلام السياسى و مستقبل العلمانيه فى تركيا»، **السياسة الدولية**. العدد ۱۳۱، ۱۵۳-۱۵۸.
- معوض، جلال (۱۹۹۷)، «الورقه الخلفيه»، **المستقبل العربى**. العدد ۲۲۵، ۱۶-۳۶.
- نورالدين، محمد (۲۰۰۳)، «تركيا ... الى اين؟ حزب العدالة و التنميه (الاسلامى) فى السلطه»، **المستقبل العربى**. العدد ۲۸۷، ۱۲-۲۷.
- نوفل، ميشل (۱۹۹۶)، «تركيا و صعود «الرفاه» الى السلطه: التوافق بين السلام و الديموقراطيه»، **شؤون الاوسط**. العدد ۵۳، ۹-۱۴.

۳- ترکی و لاتین:

- Erbakan, N. (2014). *Davam.Milli Gazete Ankara Kitab Kulübü*, Ankara
- M KER, Z. ۲. (2002). *THE CHANGING NATURE OF ISLAMISM IN TURKEY: A COMPARISON OF ERBAKAN AND ERDOĞAN* (Doctoral dissertation, BILKENT UNIVERSITY ANKARA).
- "Parti Program ", SAADET Partici 2015/10/03

- http://www.saadet.org.tr/parti-programi_k18.html
,Mehmet Dagdelen، Milli ختج Nedir و milligorusportal 2006/11/16
<http://www.milligorusportal.com/showthread.php?t=7317>
- Keyman, E. F. (2007). Modernity, Secularism and Islam The Case of Turkey. *Theory, culture & society*, 24(2), 215-234.
- Lovell, D. (2011). Turkey in Europe: Record, Challenges and the Future. *Insight Turkey*, 13(3), 173.
- Robins, P. (1997). Turkish foreign policy under Erbakan. *Survival*, 39(2), 82-100.
- Yavuz, M. H. (2003). *Islamic political identity in Turkey*. Oxford university press. 24(2), 215-234.

